

خبر
<div><b>اسماعیل حصرای در گذشت</b></div>
<div><span></span></div> <div><span></span></div>
<div>اسماعیل حصرای، از اعضای شورای کتاب کودک، درگذشت.</div>
<div>به گزارش ایسنا، شورای کتاب کودک با اعلام این خبر نوشته است: «اسماعیل حصرای از اعضای قدیمی شورای کتاب کودک بود که در دهه ۸۰ در گروه‌های تخصصی رمان، تالیف و ترجمه فعالیت می‌کرد.</div>
<div>او به واسطه تحصیل در رشته مهندسی مکانیک در دانشگاه صنعتی شریف، فعالانه در تهیه جلدهای ۱۵، ۱۶ و ۱۷ فرهنگنامه کودکان و نوجوانان «گروه فیزیک» همکاری داشت.</div>
<div>شورای کتاب کودک ضمن عرض تسلیت به خانواده آن بزرگوار و خانواده شورای کتاب کودک، از درگاه خداوند بزرگ، خواستار رحمت بری آن زنده‌یاد و صبر برای بازماندگان است.»</div>

### بخش فراگیر در جشنواره تئاتر فجر برگزار خواهد شد



بخش فراگیر در جشنواره تئاتر فجر با همکاری و مشارکت سازمان بهزیستی بصورت رقابتی برگزار می‌شود.

به گزارش ایسنا به نقل از روابط عمومی اداره کل هنرهای نمایشی، بخش فراگیر با هدف برابری‌سازی فرصت‌ها، تلفیق اجتماعی و مشارکت حداکثری افراد دارای معلولیت در برنامه های نمایشی کنشور قرار گرفته واهمکاری و مشارکت سازمان بهزیستی برگزار می‌شود.

دراین بخش ۲۰ نمایش برگزیده جشنواره‌های منطقه‌ای تئاتر افراد دارای معلولیت، شامل ۱۳ نمایش صحنه ای و ۷ نمایش خیابانی از ۱۵ استان حضور دارند که از تاریخ ۲ تا ۸ بهمن در تالار هنر، تالار محراب و پهنه رودکی (روبه‌روی تالاروحدث) اجرا خواهند داشت.

در بخش فراگیر، گروه‌های نمایشی با اختلالات شنوایی، بینایی، ذهنی، جسمی حرکتی و سالمند از استان‌های کردستان، کرمانشاه، اصفهان، خراسان رضوی، گیلان، چهارمحال و بختیاری، یزد، تهران، مازندران، قزوین، گلستان، کرمان، بوشهر، هرمزگان و آذربایجان غربی حضور دارند.

«روزانو روزی از نو» به کارگردانی مجتبی مرادی، «کل» به کارگردانی مصطفی محمدی، «مغازه شماره ۱۱۳» به کارگردانی مهتاب نفیسی، «گانگویی» به کارگردانی حسین غلامی، «دوست ندارم خواب ببینم» به کارگردانی سعید چگنی ، «دربداشت آزاد» به کارگردانی ریحانه جباری و محمد حسین علیپور، نمایش «خودپرواز» به کارگردانی جعفردل دل، «رستگاری از فرانتکش‌تاین» به کارگردانی نوال وائلی، «احساس آهنی» به کارگردانی آرزو جعفری، «تِبال ستاجوسال» به کارگردانی کاظم ارجمندنیا، «اشی‌زخانه فنلاندی‌ها» به کارگردانی لقمان بحرانی، «خرده شوخی‌های زناشویی» به کارگردانی محمد سالیانی و «قدم نورسیده» به کارگردانی یاسرستمی هستند.

نمایش‌های خیابانی بخش فراگیر نیز شامل نمایش «روزتولدمن» به کارگردانی صادق حسین زاده، «تسنوبه نقدی» به کارگردانی مجتبی خلیلی ، «رومئو B ژولیت» به کارگردانی نسا سلیمانی، «لبخند با طعم ماسک» به کارگردانی محسن مسعودی فر، «گوله بهار» به کارگردانی مرتضی زحمتکش، «با قیافد فوریته» به کارگردانی مجتبی لاله زاری و مهسا دهقانلی و «بوقوق» به کارگردانی مرضیه علیزاده معرفی شده‌اند.

چهل و دومین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر با دبیری مهدی حامدسقایان در بهمن ۱۴۰۲ برگزار می‌شود.

به گزارش ایسنا، ۲۲ دی ماه زادروز علی رفیعی است؛ هنرمندی که اهل تئاتر او را به تصاویر زیبا و رنگارنگش می‌شناسند و بسیاری از آنان باور دارند که رفیعی ذاتا آرتیست و زیبایی‌شناس است اما این همه، به معنای بی‌توجهی او به اتفاق‌های پیرامونش نیست. او هم به دوره خود می‌نگرد و هم به تاریخ اما با شیوه خودش. نگاهش بیش از آنکه سیاسی باشد، اجتماعی و فرهنگی است. اهل حزب و فرقه و چپ و راست هم نیست. با این حال و با وجود پرهیزش از بازی‌های سیاسی، طعم بازجویی و ساواک و کنار گذاشته شدن از مدیریت و … را هم چشیده است. به بهانه سالروز تولدش بخش‌هایی از خاطرات او را که بیش از ۲۰ سال پیش در گفتگو با امید روحانی و در مجله صحنه به انتشار رسیده، مرور می‌کنیم.

یکی از نمایش های درخشان رفیعی، «خاطرات و کاپوس های جامه دار از زندگی و قتل میرزا تقی خان فراهانی». اثری که رفیعی یکی بار پیش از انقلاب آن را به صحنه آورد و دیگر بار در نیمه اول دهه ۹۰ آن را به صحنه برد.

او در این گفتگو درباره نگاهش به شخصیت و عملکرد امیرکبیر و دوری اش از وفاداری صرف به تاریخ و سیاست چنین گفته است: «چپ طرفدار «شوروی» نبودم. مطلقا. چپ «چین» هم نبودم. بیشتر آدمی ملی و رادیکال بودم. به همین دلیل هم در نوشتن «خاطرات و کاپوس‌ها…» نگاهی به مصدق و شخصیت و مبارزات و سرنوشت او داشتم. داستان رفیرمیسر در نظام‌های فاسد مساله ذهنی و سیاسی پس ذهن من بود. تحلیلی که آن زمان می‌کردم و در نسخه اولیه، این تحلیل را در زبان جامه‌دار فرموله کرده بودم؛ در جایی از زبان جامه‌دار می‌آید که امیرکبیر می‌گوید: «زندگی تو تضادی دارد که مرا یاد کرم و سیب می‌اندازد. کرم وقتی وارد سیب می‌شود دو راه‌حل بیشتر ندارد، یا سیب را سالم نگه دارد که باید خودش فنا شود، یا خودش سالم بماند که سیب را باید بخورد، نمی‌شود هم خود کرم و هم سیب سالم بماند. تو می‌خواهی هم دستگاه پوسیده ناصری را حفظ کنی و هم خودت فنا می‌شوی. این تضاد درون توست.» روی این نگاه کار کردم.

منبع الهام او در اجرای این نمایش جمله‌ای فریدون آدمیت بوده که رفیعی، خود این گونه توضیح داده است: «بیک جمله در کتاب فریدون آدمیت ، «امیرکبیر و ایران» بود. وقتی که قاتلین وارد حمام می‌شوند، می‌گویند «خاصه تراش را خواست تا رگش را بزند.» این جمله اساس نمایشنامه من شد. خاصه تراش همان لالاک است. حالا فکر کردم که داستان از راه دید دلاک ببینم. شاید به طور غیرمستقیم با این که چندان ارادتی به پیترو وایس ندارم، تحت تاثیر کار بزرگ او «ماراساد» باشم که زمانی سخت ستایش‌اش می‌کردم. او هم به انقلاب کبیر فرانسه از دید آدمی نگاه می‌کند که در دارالمجانین است، یعنی مارکی دوساد. او دارد انقلاب را می‌بیند و شرح می‌دهد. به طور غیرمستقیم تحت تاثیر او بودم که قصه را دارد از نگاه کسی باز می‌گویند که به طور مستقیم در واقعه حاضر و ناظر بوده است. ولی ندغدغه‌های زیبایی شناسی و فرم و احتراز از تاریخی نوشتن و وقایع نگاری صرف در پس ذهن من بود.»

این نگاهی جزو اولین اثری است که در مجموعه تئاتر شهر روی صحنه رفته است. رفیعی ماجرای اجرای آن را در این مجموعه که آن زمان تنها تالار اصلی را داشته، این گونه توضیح داده است: «من تصمیم داشتم نمایش را بعد از «آنتیگون» در همان

نامش یادآور صحنه‌های پرشکوه است و تصاویر زیبا؛ اما این به معنای بی‌توجهی او به محتوا و اندیشه نیست. او نگاه و تفکرش را اما در قالبی زیبا ارائه می‌دهد. علی رفیعی چنین هنرمندی است.



تالار مولوی به صحنه ببرم تا این‌یک یک روز صبح به من اطلاع دادند که از دفتر قطعی، رئیس سازمان رادیوی تلویزیون تلفن کرده‌اند. طبعاً توجهی نمی‌کنم و فردا و پس فردا و … سرانجام منشی قطعی مرا گیر می‌آورد و اطلاع می‌دهد که «آقای قطعی می‌خواهند خودت را به صحنه آورد و دیگر بار در نیمه اول دهه ۹۰…» تو را ببینند.» همان قطعی که حکم اخراج مرا از جشن هنر شیراز صادر کرده بود. این دیدار سرانجام دست داد، با همان لباس و جین و اورکت و کسوت دانشجویی و قطعی در همان لحظه دیدار و قبل از هر چیز گفت هیچ صحبتی از گذشته نکن. بعد گفت که ریاست تئاترشهر را قبول کنم. به چه دلیل؟ گفت که «تالار تئاترشهر، یک sale vagram است، و این کارگردانی و برنامه‌ی یعنی تالاری که در آن تعسیده‌بازی، آکروبات، آتراکسیون و از این قبیل اجرا می‌شود و به طور خلاصه یعنی یک گاراز. تئاترشهر یک گاراز است و می‌خواهیم فضایی برای اجرای نمایش‌های ملی و با کیفیت داشته باشیم. بعد از تحقیقاتم فکر می‌کنم تنها کسی که می‌تواند این کار را بکند، شما هستید.»

من پانزده روز وقت خواستم تا شرایطم را اعلام کنم و برنامه‌های بنویسم. قطعی با همه آنها موافقت می‌کند، امضا می‌کند و من وارد تئاترشهر می‌شوم. حالا امکانات صحنه‌ای بهتری در اختیار من است که «خاطرات و کاپوس‌ها…» را اجرا کنم. رفیعی اولین مدیر تئاترشهر است. روحانی در همان گفتگو از او می‌پرسد که بعد از ورودش به این مکان چه کرده و رفیعی پاسخ داده است: «اول از همه گروه بازیگران تئاترشهر را تأسیس کردم. برایم این مهم بود که تئاتر باید یک مدیریت هنری داشته باشد و یک گروه ثابت و یک مدیریت اداری. یادم هست که به قطعی پیشنهاد کردم که مدیر اداری را او انتخاب کند، اما او گفت که همه چیز به عهده خود من است و بهتر است خود من انتخاب کنم.

روحانی در

همان گفتگو از او می‌پرسد که بعد از ورودش به این مکان چه کرده و رفیعی پاسخ داده است: «اول از همه گروه بازیگران تئاترشهر را تأسیس کردم. برایم این مهم بود که تئاتر باید یک مدیریت هنری داشته باشد و یک گروه ثابت و یک مدیریت اداری. یادم

هست که به قطعی پیشنهاد کردم که مدیر اداری را او انتخاب کند، اما او گفت که همه چیز به عهده خود من است و بهتر است خود من انتخاب کنم.

## زادروز بازیگری که دنبال دیده‌شدن نبود



گزیده‌کار است، چندان اهل مصاحبه و گفت‌وگو نیست، دور از حاشیه است و هیچ‌وقت دنبال دیده‌شدن نبوده، طی این سالها کمتر نقش‌های منفی و خاکستری از او در قاب تلویزیون دیده‌ایم. به بهانه سالروز تولد آرتینا حاجیان، هنرمند باسابقه تلویزیون حضورش در سریال‌های تلویزیون را مرور می‌کنیم.
به گزارش ایسنا، آرتینا حاجیان، هنرمند با سابقه عرصه سینما، تئاتر و تلویزیون متولد ۲۱ دی ماه ۱۳۳۶ اکنون ۶۶ ساله شده.

کارش را با بازیگری در عرصه تئاتر با نمایش «خورشید خانم آفتاب کن» در سال ۱۳۵۴ آغاز کرد.

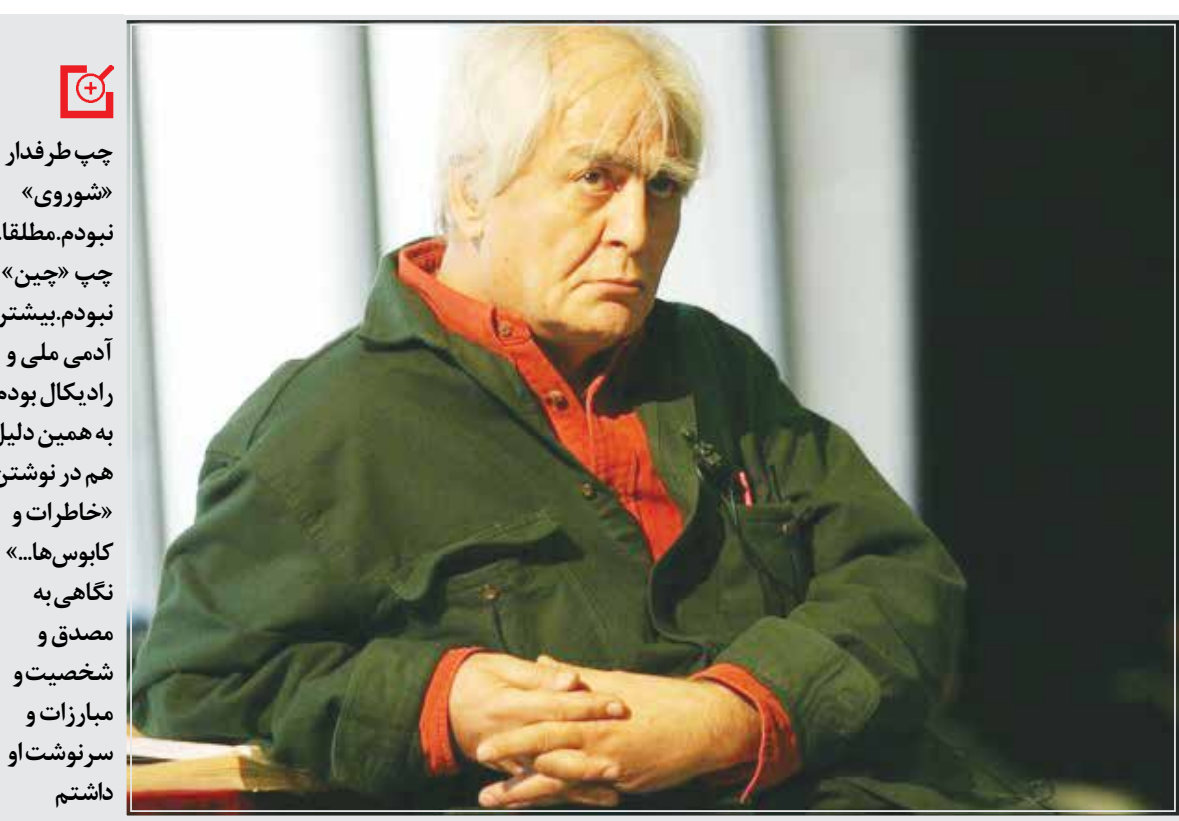
او اولین فیلمش در سینما را در «عزروسک‌ها»ی محمدرضا هنرمند در سال ۱۳۶۸ شروع کرد.

اولین بازی اش در تلویزیون مربوط به سال ۱۳۷۰ در سریال تاریخی «امام علی(ع) داود میربافتاری بود که از شبکه اول به روی

به بهانه تولد علی رفیعی

# یک روایت شنیدنی از هنرمندی که ۸۵ساله شد

نامش یادآور صحنه‌های پرشکوه است و تصاویر زیبا؛ اما این به معنای بی‌توجهی او به محتوا و اندیشه نیست. او نگاه و تفکرش را اما در قالبی زیبا ارائه می‌دهد. علی رفیعی چنین هنرمندی است.



همه چیز را از ابتدا آغاز می‌کنم. یکی از مهم‌ترین اقدام‌ها تأسیس کتابخانه تئاترشهر بود، تأسیس کارگاه دکور که تا آن زمان وجود نداشت، تأسیس کارگاه خیاطی و همه‌ی اینها … که البته در این دوران می‌توانم بگویم که شرایط می‌گذارم که در صورت تصویب کردم و مرمت‌های آکوستیک و غیره…»

او حالا در این سالن نمایش «خاطرات و کاپوس ها…» را روی صحنه می برد که برغم درخشان بودنش، درس‌هایی درست می‌کند: «همان تجربه‌ی اول، یعنی «خاطرات و کاپوس‌ها…» موجب دردسر بزرگی برای من شد، در حالی که قطعی روزه‌های داده بود که همه مسئولیت‌ها به عهده من است و قول داده بود که سانسوری هم در کار نیست، اما آمدن فرح پهلوی به تئاترشهر در شب بیست‌و‌هفتم اجرا و گفت‌وگویی که جلوی در ورودی تالار با من کرد (در حالی که همه امرا و درباریان حضور داشتند) کار دستم داد. در حدود یک ساعت و ربعی بحث کنار در ورودی، جدا از تصمیم‌ها و تعریف‌ها، جمله‌ای گفت که این نمایشنامه کمتر

وضع امیرکبیر را نشان می‌دهد تا وضع معاصرتری را . همین جمله باعث شد که فردای آن روز به ساواک احضار شدم. بالاخره چوب لثی چرخ گذاشتن‌ها و آزارها باعث شد که استعفا دادم. استعفا دادم در حالی که «چین‌ها و مکافات» روی صحنه است. شب بیست‌ونهم اسفند ۱۳۵۶ تئاترشهر را به قصد خورج از ایران و و رفتن به اروپا ترک می‌کنم.»

او که تحصیل کرده فرنگ بود، دیگر بزرگ عزم دیار غربت می‌کند که این بار پیشنهادش تازه از راه می‌رسد. پهلبد، وزیر وقت فرهنگ و هنر و جلال ستاری مشاورش می‌فرستند دنبال او تا پیشنهاد تأسیس یک دانشکده هنری را به او بدهند.

رفیعی در توضیح این پیشنهاد گفته : «آنها

### فرهنگ و هنر

اخبار
<div><b>بار رفح مشکل بیمه ۱۰ هزار نفر از فعالان صنایع دستی</b></div>
<div><b>نوری بر تاریکی این هنر ناپید</b></div>
<div><span></span></div> <div><span></span></div>
<div><b>چپ طرفدار «شوروی» نبودم.مطلقا.</b></div>
<div><b>چپ «چین» هم نبودم.بیشتر آدمی ملی و رادیکال بودم.</b></div>
<div><b>به همین دلیل هم در نوشتن «خاطرات و کاپوس‌ها…» نگاهی به مصدق و شخصیت و مبارزات و سرنوشت او داشتم</b></div>
<div><b>پیشنهاد ریاست دانشکده هنرهای دراماتیک را می‌کنند، ولی من می‌خواهم بروم. برای این‌که از این مخصوصه فرار کنم و برای این‌که اصلا فکر نمی‌کردم دانشکده‌ای وجود داشته باشد. طرحی می‌نویسم و شرط می‌گذارم که در صورت تصویب طرح، ریاست را می‌پذیرم. طرح را آن چنان سنگین و پرملاط می‌گیرم که آنها رد کنند. طرح عبارت است از تأسیس یک تئاتر بزرگ حرفه‌ای به صورت محور که اقمار اطرافش کارگاه‌هایی‌اند و کلاس‌های درس در اصل این کارگاه‌ها هستند هم کلاس و هم کارگاه و دانشجو از بدو ورود در کارگاه‌های مختلف کارگردانی، نمایشنامه‌نویسی، طراحی‌و غیره… است. یاد در کارگاه‌های نظری در ارتباط با صحنه‌ی حرفه‌ای. طرح تصویب می‌شود. زمینی خریداری می‌شود و دانشگاهی هم در اختیار من است. سال جدید را آغاز می‌کنم. کنکور دانشکده درست روز ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ برگزار می‌شود و درست در صدمتری میدان میراث و صنایع دستی حالا رو به اجرایی می‌شود.</b></div>
<div><b>بر سر آن توافق داشتند.</b></div>
<div><b>هرچند در این میان هستند هنوز عده‌ای هم هستند که این موضوع را مهم‌ترین تلقی نمی‌کنند و معتقدند اگر چه «بیمه» مسئله‌ای مهم در حوزه صنایع دستی است اما مهم‌ترین چالش آن نبوده و فقدان شناخت دقیق از نیازهای این حوزه، موجب شده است تا تاکید اغلب اعضای این جامعه بر «بیمه» باشد.</b></div>
<div><b>با این همه برای اغلب هنرمندان حوزه صنایع دستی که در سنتین میانسانی هم به سر می‌برند، «بیمه» قله‌ای فتح نشده است که دسترسی به آن سخت تلقی می‌شود.</b></div>
<div><b>مریم جلالی معاون صنایع دستی اواخر خرداد ماه امسال از اضافه شدن ۱۰ هزار نفر از هنرمندان صنایع دستی به جمع بیمه شدگان خبر داد و تعداد آنان را در مجموع ۵۰ هزار نفر عنوان کرد؛ وعده‌ای که با صحبت‌های اخیر وزیر میراث و صنایع دستی حالا رو به اجرایی می‌رود.</b></div>
<div><b>سید عزت‌الله ضرغامی چهارشنبه (۲۰ دی ۱۴۰۲) در حاشیه جلسه هیات دولت در جمع خبرنگاران اعلام کرد که مشکلاتی که بر سر راه بیمه ۱۰ هزار نفر از فعالان صنایع دستی و راهنمایان گردشگری در طول این مدت وجود داشت، رفع شد و پوشش بیمه تأمین اجتماعی قرار می‌گیرند.</b></div>
<div><b>۱۶۸ میلیارد تومان اعتبار مورد نیاز است که مورد تأیید رئیس جمهور قرار گرفته و برای دو ماه آینده هم حدود ۴۰ میلیارد تومان اعتبار لازم بود که آن‌هم به تصویب رسد.</b></div>
<div><b>مریم جلالی ـ معاون صنایع دستی ضرغامی بیشتر گفته بود که لیست این ۱۰ هزار نفر به سازمان برنامه و بودجه و تأمین اجتماعی معرفی شده است. که البته این اعلام، در زمان خود این بحث را هم به میان آورده بود که راستی آزمایش جامعه هنرمندان صنایع‌دستی چگونه صورت می‌گیرد؛ نکته‌ای که شاید همچنان نیاز به شفاف‌سازی بیشتری داشته باشد.</b></div>
<div><b>اما از آخرین اظهارنظرها پس از اعلام حل مشکل بیمه برخی از هنرمندان صنایع دستی، مربوط به انسیه خزعلی، معاون امور زنان و خانواده رئیس‌جمهوری است که گفته: خوشبختانه پیگیری‌ها به ثمر نشست و با تلاش وزارت میراث‌فرهنگی و دیگر دستگاه‌های مرتبط، بیمه‌های فعالان زحمتکش این حوزه پس از مدت‌ها برقرار شد، پس از این باید شاهد اجرا شدن در دست‌ورکار قرار گرفتن این مصوبه مهم دولت باشیم که به خودی خود اتفاق بزرگ و دارای ثمرات درخشان بسیاری است.</b></div>
<div><b>خزعلی همچنین به دستور دیگری از سوی رئیس جمهوری مبنی بر ایجاد بازارچه‌های صنایع‌دستی در ورودی شهرها اشاره کرده و یادآور شده است: ما به هر شهری که سفر می‌کنیم برای برپایی این بازارچه‌ها بودجه مشخص را نیز تصویب می‌کنیم… ضمن اینکه حداقل هم بازارچه در هر شهر به بانوان تعلق می‌گیرد.</b></div>